

آمده باشند مطالبه نخواهند کرد. ولی چون مناسبات خفیه بعضی از ترانس فوژها با تابعین و هموطنان سابق موجب حصول نتایج مضره میشود لهذا محض دفع و جلوگیری این نتایج دولت علیه ایران متعهد میشود که در متصرفات خود که مابین حدود ذیل واقع است حضور و توقف اشخاصیکه الحال یا بعدها باسمه مشخص خواهد شد روا ندارد و مقصود از حدود، از یکطرف رود ارس و از طرف دیگر خطی است که بواسطه رود جهریق و دریاچه ارومی و رود جقتور ورود قزل اوزن الی مصب آن در دریای خزر ترسیم میشود.

اعلیحضرت امپراطور کل روسیه نیز وعده میدهد که در خانات قرا باغ و نخجوان و در قسمت خانات ایروان که در سمت راست واقع است ترانس فوژهای ایرانی را نگذارد توطن و سکنی نمایند، ولیکن مقرر است که این ماده صورت لزوم نخواهد یافت مگر در باره اشخاصیکه طرف رجوع عامه یا دارای بعضی مقامات دیگر هستند، از قبیل خوانین و بیکها و رؤسای روحانی، یعنی ملاها که اعمال شخصی و تحریک و مناسبات خفیه ایشان باعث سوء اثر در باره هموطنان و تابعین قدیم آنها میشود، و اما در خصوص نفوس عامه مملکتین مقرر است که اتباع دولتی که بمملکت یکدیگر رفته یا در آتیه بروند آزاد هستند که در هر جایی که آن دولت یعنی دولتی که این اشخاص در حیطة حکومت و اقتدار آن در آمده اند صلاح داند توطن و سکنی نمایند.

فصل پانزدهم - چون قصد سلیم و نیت خیریت عمیم اعلیحضرت شاهنشاه ایران این است که ممالک خود را مرفه الحال و اتباع دولت علیه را از تشدید مصائب و صدمات حاصله این جنگ که بسلم و سعادت ختم شده است مصون و محفوظ دارد لهذا درباره تمام اهالی و کارگزاران آذربایجان عفو کامل و رحمتی شامل مبذول میدارند بطوریکه هیچیک از این اشخاص چه بجهت عقاید و نیتات و چه از حیث رفتار و کرداری که در موقع جنگ یا در مدت تصرف ایالت مزبوره از ایشان بظهور رسیده مورد تعرض و اذیت واقع نخواهد شد و علاوه بر این از امروز مهلتی یکساله بآنها داده میشود تا اینکه بطور آزادی از ممالک ایران با کسان خود بممالک روسیه

بروند و اموال منقولۀ خود را بخارج حمل نموده و بفروش برسانند ، بدون اینکه دولت علیه ایران یا کارگذاران محلی اندک ممانعتی نموده و از اموال و اشیائیکه فروخته یا بخارج حمل میشود حقوق و مرسومی دریافت یا تکالیفی در مورد آن بگذارند . اما در باب اموال غیر منقوله بمومی الیهم پنج ساله مهلت داده میشود که اموال مزبور را بفروش برسانند یا بطور دلخواه انتقال و انتزاع نمایند .

کسانیکه در این مدت یکساله مجرم به جنحه و جنایت و مستوجب سیاست معموله دیوانخانه شوند از این عفو مستثنی خواهند بود .

فصل شانزدهم - وزرای مختار طرفین بمجرد امضای این عهد نامه صلح عاجلا بتمام نقاط اعلام و احکام لازمه خواهند فرستاد که مخاصمه را بلا تأخیر ترك نمایند .

این عهد نامه که به نستخین و بیک مدلول نوشته شده و بامضا و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است بتصویب و تصدیق اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه خواهد رسید و تصدیقنامهجات معتبره که دارای امضای ایشان بوده باشد در ظرف چهارماه و در صورت امکان زودتر بتوسط وزرای مختار طرفین مبادله خواهد شد .

بتاریخ دهم ماه فوریه سال خجسته فال سنه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری در ترکمان جای تحریر شد .

عهدنامه تجارتی که مابین ایران و روس در

ترکمان جای بتاريخ ۲۲ فوریه ۱۸۲۸

مطابق ۵ شعبان ۱۲۴۳ منعقد شد

((بنام خداوند متعال))

فصل اول - چون طرفین معظمین معاهدین مایل هستند که اتباع خود را

از کلیه فواید و منافعی که از آزادی تجارت حاصل میشود بهره‌مند سازند، لهذا تفصیل ذیل را مقرر داشتند:

اتباع روس که دارای تذکره صحیح بوده باشند میتوانند در تمام نقاط خاک ایران به تجارت اشتغال ورزیده و نیز بدول همجوار آن مملکت بروند، در ازای آن رعایای ایران هم میتوانند که از دریای خزر و یا از سرحد خشکی که فاصل بین دولتین است مال التجاره خود را بروسیه وارد کرده و ب معاوضه رسانند و نیز در روسیه متاع دیگر خرید کرده و بخارج حمل کنند.

مومی‌الیهیم در ممالک اعلیحضرت امپراطور روس از تمام حقوق و امتیازاتی که بر رعایای دول کامله لوداد داده شده است بهره‌مند خواهد بود.

در صورت وفات یکی از اتباع روس در ایران، اموال منقوله و غیر منقوله او نظر بتعلق بر عیت دولت دوست، بالتمام با اقوام یا شرکاء او داده میشود و مشارالیهیم در صورتیکه صلاح دانند حق خواهند داشت که اموال مزبوره را انتقال و اتزاع دهند. در صورت فقدان اقوام یا شرکاء، اختیار اموال مزبوره بسفارت یا قونسول روس مقیم ایران واگذار خواهد شد بدون اینکه از طرف کارگذاران محل ممانعتی بظهور رسد.

فصل دوم - کمترات و بروات و ضمانت نامه‌ها و سایر قراردادهای کتبی که راجع بامور تجارتی است و مابین رعایای طرفین منعقد میشود در نزد حاکم (قاضی عرف) و قونسول روس و درجائی که قونسول نباشد فقط در نزد حاکم ثبت خواهد شد تا اینکه در صورت وقوع منازعه مابین طرفین بتوان تحقیقات لازمه را بعمل آورد و عدلا رفع اختلاف نمود.

اسنادی که بطور فوق‌الذکر تصدیق و نگاشته شده باشد در هر محکمه عدلیه معتبر خواهد بود و اگر شخصی بدون اسناد مزبوره بخواهد با طرف مقابل ترافع نماید و بغیر از شهود دلیل دیگری اقامه نکند مسموع نخواهد شد مگر اینکه مدعی علیه اقامه شهود او را قبول کند.

تعهداتی که بترتیب فوق‌الذکر مابین رعایای دولتین وقوع مییابد بدون کم

و کسر مرعی و معمول خواهد گردید و اگر یکی از طرفین از اجرای مدلول آن امتناع کرده و باعث ضرر طرف مقابل شود باید خسارت وارده را عهده نماید .
در صورت ورشکستگی یکی از تجار روس در ایران ، حقوق از باب طلب از اموال و اشیاء شخص ورشکست داده میشود ، ولی اگر از وزیر مختار و شاردافر یا قونسول روس خواهش شود که تحقیق کرده و معلوم نمایند آیا شخص ورشکست در روسیه بعضی اموال دارد که طلبکاران بتوانند از آن استیفای حق نمایند مشارالیهم نباید در تحقیق این مسئله مساعی جمیله خود را مضایقه دارند . ترتیبات مقرر در این فصل بالمقابل در مورد رعایای ایران که در روسیه در تحت حمایت قوانین آن مملکت تجارت می نمایند مرعی و معمول خواهد بود .

فصل سوم - محض اینکه تجارت اتباع مملکتین از منافی که موضوع شروط سابق الذکر است بطور محکم بهره مند شوند ، مقرر میشود که از مال التجاره که اتباع روس بایران وارد و از آن مملکت خارج میکنند و نیز از امتعه ایران که اتباع دولت علیه از راه بحر خزر و یا از سرحد خشکی بین الدولتین بمملکت روسیه حمل مینمایند و همکذا از مملکت روسیه و از طریق فوق الذکر خارج میکنند کما فی السابق حقوق صدی پنج فقط یک دفعه در موقع ورود یا خروج دریافت شده و علاوه بر آن هیچگونه حقوق گمرکی مطالبه نشود .

دولت روس تعهد مینماید که در صورتی هم که لازم دانست دستور العمل گمرکی و تعرفه جدید برقرار نماید ، مع هذا بر حقوق صدی پنج فوق الذکر چیزی نیفزاید .
فصل چهارم - اگر دولت ایران یا روس با دولت دیگری در مقام جنگ بوده باشد رعایای مملکتین ممنوع نخواهند بود از اینکه با مال التجاره خود از خاک یکدیگر عبور کرده و بمملکت محارب روند .

فصل پنجم - چون موافق رسوم جاریه مملکت ایران اتباع خارجه باشکال خانه و مغازه و امکانه وضع مال التجاره برای اجاره پیدا مینمایند ، لهذا اتباع روس علاوه بر حق اجاره مجاز میباشد که خانه ای برای سکونت و مغازه و امکانه برای وضع مال التجاره بحیطه ملکیت در آورند . کار گذاران دولت علیه ایران مأذون نیستند

که عنفاً داخل خانه و مغازه و امکنه مزبوره شوند . در صورت لزوم باید باستیدان وزیر مختار یا شارژ دافر یا قونسول روس مراجعه کنند و مشارالیهم در **اگومن** (۱) یا یکی از اجزاء خود را مأمور خواهند کرد که در موقع معاینه خانه یا مال التجاره حضور بهم رسانند .

فصل ششم - چون وزیر مختار و شارژ دافر اعلیحضرت امپراطور روس و نیز اجزاء سفارت و قونسولها و **دراگومن**ها اشیائی که متعلق بملبوس است و همچنین غالب ضروریاتی که بجهت معیشت آنها لازم است در ایران پیدا نمیکند ، علیهذا مأذون هستند که بدون ادای حقوق و سایر تکالیف ، اشیائی که فقط مخصوص مصارف خودشان است وارد نمایند . درباره مأمورین اعلیحضرت شاهنشاه ایران مقیمین ممالک روسیه ، رفتار بمثل از این حیث کاملاً منظور خواهد بود .

اتباع ایران که جزء من تبع وزیر مختار و شارژ دافر یا قونسول بوده و بجهت خدمت مشارالیهم لازمند ، مادامیکه در نزد ایشان هستند مانند اتباع روس و بالسویه از حمایت آنها بهره مند خواهند بود . ولی اگر یکی از این اشخاص مرتکب جنحه و بدین سبب مورد سیاست قوانین جاریه شود وزیر ایران یا حاکم و در صورت فقدان او کار گذاران محلی که حق این اقدام را داشته باشند فوراً از وزیر مختار یا شارژ دافر یا قونسولی که شخص مظنون در خدمت او است تسلیم مومی الیه را خواهند خواست و اگر این عنوان مبنی بر دلایلی است که تقصیر شخص متهم را ثابت مینماید وزیر مختار یا شارژ دافر یا قونسول در قبولی این خواهش نباید هیچگونه اشکالی نمایند .

فصل هفتم - تمام امور متنازع فیها و مراعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق قوانین و رسوم دولت روسیه فقط برسیدگی و حکم سفارت یا قونسولهای اعلیحضرت امپراطور روس رجوع خواهد شد (۲)

(۱) مترجم ، خصوصاً مترجم السنه شرقی مانند فارسی ، عربی و ترکی

« Dragoman »

(۲) مقصود این است که مراعات مابین تبعه روسیه باید رجوع به سفارت یا قونسول

شود و مشارالیهم موافق قوانین روسیه رسیدگی کرده و حکم دهند .

و همچنین است اختلافات و دعاوی واقعه مابین اتباع روس و اتباع مملکت دیگری، در صورتیکه طرفین بحکومت مشارالیه مراضی نمایند.

اختلافات و مراعاتیکه مابین اتباع ایران و روس بظهور میرسد مراجعه بحاکم شده رسیدگی و حکم آن باید در حضور درامان گومن سفارت یا قونسولگری بعمل آید. باین قبیل دعاوی که بروفق قانون عدالت ختم شده است مجدداً رسیدگی نمیشود و اگر تجدید رسیدگی لزوماً اقتضا نمود باید باستحضار وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس و در حضور درامان گومن سفارت یا قونسولگری در یکی از دفتر خانهای اعلی حضرت شاهنشاه ایران که در تبریز و در طهران منعقد است تجدید رسیدگی بعمل آمده و حکم داده شود.

فصل هشتم - چون وزیر مختار و شارژدافر و قونسول حق قضاوت در ماده هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی و محاکمه آن راجع بمشارالیه خواهد بود.

اگر شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید، مورد هیچگونه تعرض و مزاحمت نخواهد بود مگر در صورتیکه شراکت او در جنایت مدلل و ثابت شود و در این صورت و نیز در صورتیکه تبعه روس بشخصه منسوب بمجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضور مأموری از طرف سفارت یا قونسول روس نباید بمسئله جنایت رسیدگی کرده و حکم دهند و اگر در محل وقوع جنحه سفارت یا قونسولگری وجود ندارد کارگذاران آنجا مجرم را بمحلی اعزام خواهند داد که در آنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد. حاکم و قاضی محل استشهاداتی را که بر علیه و له شخص مظنون است تحصیل کرده و امضاء مینمایند و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و بمحل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آن را بطور واضح ثابت نماید.

پس از آنکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم بشبوب رسیده و حکم صادر شد، مومی الیه به وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که بروسیه

فرستاده شده و در آنجا موافق قوانین سیاست شود .
فصل نهم - طرفین معظمین معاهدین اهتمام خواهند داشت که شرایط این عهدنامه طابق النعل بالنعل معمول و مجری گردد. حکام ولایات و رؤسا و سایر مأمورین دولتین در هیچ موقع ازمفاد آن تمرد نخواهند نمود والا جداً مسئول و در صورتیکه مجدداً ازمفاد آن تخلف کرده و کماهو حقه خلاف ایشان محقق گردید مستلزم عزل خواهند بود .

علیذا ما امضی کنندگان ذیل ، وزرای مختار اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روس شرایط مندرجه این عهدنامه را منعقد و مقرر داشتیم و این شرایط که متمم فصل دهم عهدنامه عمده است که امروز در تر کمان چای منعقد شده است همان اعتبار و استحکام را خواهد داشت کانه لفظ بلفظ در همانجا درج شده باشد .

بناء علیهذا ، این قرارداد جدا گانه به نسختین نوشته شده با امضی و مهر مارسیده و مبادله گردید .

در تر کمان چای بتاريخ دهم فوریه سال نیکوفال ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری .

صورت مجلس در باب تشریفات پذیرائی سفراء کبار و مأمورین سیاسی که در تر کمان چای بتاريخ ۲۲ فوریه امضی شده است

وزرای مختار ایران و روس بر طبق فصل نهم عهدنامه عمده، امروز اجلاس کردند که برای پذیرائی سفراء کبار و وزرای مختار و شاره دار فرهاییکه از طرفین بدر بار یکدیگر فرستاده میشوند تشریفات مناسبی مرتب دارند و بالاتفاق تفصیل ذیل را مقرر داشتند :

بمحض اینکه وزیر ایران از ورود سفیر کبیر روس به تقلیس رسماً مطلع گردید بدون اتلاف وقت، شخصی که رتبه او مناسب شأن سفیر بوده باشد منتخب نموده تا سرحد با استقبال مشارالیه خواهد فرستاد و در این ضمن وزیر ایران سر کرده کل گرجستان را از عزیمت مهمان داری یعنی شخصی که برای همراهی سفیر کبیر معین شده است مطلع داشته و روز ورود او را بسرحد تخمیناً معین مینماید. سفیر کبیر هم اهتمام کرده و مسافرت خود را بطوری ترتیب خواهد داد که «قارن ورود مهماندار بسرحد برسد. از وقتیکه مهماندار سفیر کبیر را ملاقات مینماید مسئول حفظ امنیت و عزت و احترام مقتضیه جناب معزی الیه خواهد بود.

در هر منزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب از رئیس یا معتبرترین آن محل و چند نفر از معارف است با امن تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیر خواهد آمد. اگر سفیر کبیر در حاکم نشین ایالتی مکث نماید هیئت مذکوره در تحت ریاست خود حاکم خواهد بود و مشارالیه بجناب سفیر کبیر تهنیت و تبریک گفته و معزی الیه را الی منزلی که برای او تهیه شده است مشایعت مینماید. در صورتیکه سفیر کبیر در یک شهری مکث نماید که حاکم آنجا فرزند اعلیحضرت همایونی است حضرت معظم الیه وزیر خود را برای تبریک و خوش آمدن استقبال معزی الیه میفرستد.

اگر سفیر کبیر بدیدن حضرت معظم الیه آید مشارالیه و تمام اشخاصیکه جزء سفارت هستند دعوت بجلوس شده و بجناب سفیر صندلی داده خواهد شد. در رهگذر جناب سفیر هر جائی که قشون موجود است باید تحت السلاح بوده احترامات نظامی معموله در باره معزی الیه مرعی دارند. مهماندار اهتمام کرده و وزارت را بموقع از ورود سفیر کبیر مطلع خواهد ساخت تا اینکه وزارت بتواند تدارکات لازمه ورود و پذیرائی رسمی مشارالیه را بعمل آورد.

وقتیکه سفیر کبیر به آخرین منزل پای تخت یا به آخرین منزل اردوی همایونی رسید شخص معتبری مشارالیه را از طرف اعلیحضرت همایونی خواهد پذیرفت.

در نیمه راه الی پایتخت یا نیمه راه اردوی همایونی هیئت محترمی از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی بریاست یکی از رجال دربار باستقبال جناب معزی الیه خواهد آمد و عساکر ساخلوی شهر یا عساکر اردو بجناب معزی الیه پیش فنگ زده و احترامات نظامی لازمه را معمول خواهند داشت و رئیس مستقبلین همایونی فی الفور سفیر کبیر را بمنزاسی که برای مشار الیه مهیا شده و در آنجا **گاردر دونور** (۱) گذارده شده است راهنمایی خواهد نمود فردای ورود سفیر کبیر و وزیر اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی الیه خواهند آمد و پس فردای آن جناب سفیر کبیر رسماً بحضور همایونی مشرف خواهد شد .

ایشیک آقاسی باشی در ساعت مقرر آمده و بجناب معزی الیه اطلاع خواهد داد که برای پذیرائی او همه چیز مهیا شده است . پس از آن جناب سفیر کبیر بترتیب ذیل حرکت خواهد کرد :

فراشان شاهی در جلو و از عقب آنها يك قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود سفیر کبیر ملتزم بوده پس از آن جناب سفیر کبیر در حالیکه اسبی که از طرف همایونی فرستاده شده یا اسب خود را سوار میباید . یکنفر از میرآخوران همایونی در جلو معزی الیه و هیئت سفارت در طرف دست راست و ایشیک آقاسی باشی در طرف دست چپ و شاطران سرکاری در جبین حرکت مینمایند ، بلافاصله قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود جناب معزی الیه و در عقب آنها فراشان همایونی میآیند .

عساکریکه در درون قصر یا در اردوی همایونی الی محل دخول بحیاطهای خلوت یا سرا پورده گذارده میشوند بسفیر کبیر پیش فنگ خواهند زد و ایشیک آقاسی باشی که در جلو سفیر کبیر میرود سعی خواهد کرد که تمام اشخاصی که در محل گذر جناب معزی الیه هستند سرپا بایستند .

سفیر کبیر در محل دخول بحیاطهای خلوت یا سراپرده پیاده شده بمنزل وزیر اول یا بجادر سپهسالار راهنمایی شده و در آنجا مدت قلیلی تا بیرون آمدن

(۱) قراول تشریفاتی « Garde d'honneur »

اعلیحضرت همایونی منظر میشود. پس از آن ایشیک آقاسی باشی جلو افتاده و جناب سفیر کبیر با من تبع خود بحیاطهای خلوت یا سرسرا پرده داخل میشود. گارد یا پیشخدمتان جناب سفیر کبیر در محوطه خارجی مانده و ایشیک آقاسی باشی ورود سفیر کبیر را بعرض رسانیده و از طرف اعلیحضرت همایونی معزی الیه را تکلیف بجایگاه مخصوص یا چادر مینماید.

جناب سفیر با تمام من تبع مجاز بدخول خواهد بود و در هیچ مورد نه بسفیر کبیر و نه باتباع معزی الیه تکلیف نخواهد شد که لباسی را که در بردارند تغییر دهند، لیکن جناب معزی الیه و من تبع او سعی کرده و گالشی برای خود تحصیل خواهند نمود که در محل دخول بجایگاه مخصوص یا چادر بیرون آورند.

اعلیحضرت همایونی بعد از نطق سفیر کبیر ایشان را دعوت بجلوس فرموده و صندلی به جناب معزی الیه داده میشود. بعد از ختم مجلس سفیر کبیر بهمان ترتیبی که آمده است مراجعت خواهد نمود بدون اینکه بمنزل وزیر اعظم یا سپهسالار داخل شود پس از این شرفیابی از کسانی که بدیدن او آمده اند بازدید خواهد کرد.

برای وزیر مختار یا شارژ دافر روس هم همین تشریفات برقرار خواهد بود الا اینکه صاحبمنصبانی که باستقبال ایشان فرستاده میشوند در رتبه پست تر و اجزاء آنها در عده کمتر خواهند بود و تمام ساخلو برای مشارالیهم بیرون نخواهد آمد. فقط عساکر قراولخانهها بمشارالیهم پیش فنگ میزنند.

وزیر اول اعلیحضرت همایونی در ملاقات سبقت نمیکند ولی بدون تأخیر در روز بعد ببازدید ایشان خواهد رفت. اگر سفیر کبیر یا وزیر مختار و شارژ دافر حامل نامه‌ای از طرف سلطان خود بوده باشد اعلیحضرت همایونی آنرا بدست خودشان از او خواهند گرفت.

همین تشریفات نیز در روسیه درباره سفرای کبار و وزرای مختار و شارژ دافرای ایران که بسمت مأموریت بدربار پطرز بورغ میروند مرعی و مجری

۳۰۱

میشود ، لیکن تفاوت رسومات جاریه مملکتین هم منظور خواهد بود .
اینصورت که به نسختین نوشته شده و بامضی و مهر وزرای مختار طرفین
رسیده است همان حکم و اهمیت را خواهد داشت کانه لفظ بلفظ در عهدنامه امروز
مندرج شده باشد .
درتر کمان چای . دهم فوریه سال نیکو فال سنه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شعبان
سنه ۱۲۴۳ هجری .

فصل شانزدهم

واقعه قتل گریبایدوف وزیر مختار روس

درست یکسال تمام از امضای معاهده تر کمان چای گذشته بود که واقعه قتل گریبایدوف وزیر مختار روس پیش آمد و در ۱۱ فوریه سال ۱۸۱۹ (مطابق اوایل شعبان ۱۲۴۴) در طهران بدست جهال کشته شد .

موضوع فتنه این بود که در جزء اسراء روسیه که در جنگ گرفتار شده بودند دو نفر زن گرجی وجود داشتند که قبول اسلام ندوده و در خانه اله یار خان آصف - الدوله جزء زنان حرم او بودند . وزیر مختار تازه وارد روس استخلاص آنها را جداً مطالبه مینمود و اظهار میکرد بموجب قرار داد تر کمان چای این زنها باید تحویل عمال دولت روس شده باوطنانشان فرستاده شوند . در این باب وزیر مختار روس بقدری پافشاری کرد که بالاخره ناچار شده هر دو نفر آنها را تسلیم سفارت روس نمودند .

ولی تحریکات در اطراف این قضیه بجائی رسید که سکنه طهران بازارها را بسته سفارت روس حمله نمودند و تمام اعضاء سفارت را با خود وزیر مختار بقتل رسانیدند ، فقط يك نفر منشی سفارت جانی سلامت برد .

البته پس از این واقعه فتحعلی شاه و دربار او فوق العاده مضطرب شده بدست و پا افتادند و موضوع را فوراً در تبریز به عباس میرزا اطلاع داده چاره کار را از

او خواستند او نیز **میرزا مسعود مستوفی** را به تفلیس روانه نمود که باتفاق **میرزا صالح شیرازی** که در این هنگام برای رساندن نشان شیر و خورشید دولت ایران به **غراف پاسکویچ** فرمانده کل قفقاز به تفلیس رفته بود باغراف فوق الذکر مذاکره کنند و از او طریق حل این پیش آمد ناگوار را بخواهند .

میرزا مسعود در هجدهم شعبان ۱۲۴۴ هجری (۱۸۲۹ میلادی) بوسیله چاپار از تبریز عازم تفلیس شد . همراه ایشان **یکتفر منشی میرزا مصطفی** نام بوده که شرح این مسافرت را با جزئیات تمام نوشته است (۱)

در اول کتاب فوق مینویسد :

«چنین گوید اقل خلق اله ، **مصطفی ابن نصرالله افشار** که چون در شهر شعبان ۱۲۴۴ عالیجاه مقرب الحضرة العلیه ، **میرزا مسعود مستوفی** از جانب نواب مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا دام اقباله مأمور سفر پترزبورغ گشت ، مرا که در دفتر او شغل محرری داشتم حسب الامر همراه برد ، بخاطر فاطر گذشت که اوضاع این سفر را آنچه دیده و شنیده باشد بقدر قوه عاجزانه خود دریافت نموده ، بدون عبارت آرائی و طبع آزمائی جهت استحضار طالبان در سلك تحریر و بیان آرد ، لهذا چند جزوی نگاشته و آنرا بر چند فصل قرار داده و در اتمام این رساله منتهی عظیم از **میرزا مسعود** بر ذمت این بنده ثابت که اوضاع مجلسی را که این بنده حضور نداشت او حالی کرد و اگر در عبارت سلاستی ندید تصحیح نمود .»

میرزا مصطفی این سفرنامه خود را بر شش فصل تقسیم نموده :

فصل اول ، از تبریز تا پترزبورغ .

فصل دوم ، در احوال توقف پترزبورغ .

فصل سوم ، در تعداد ولایات روسیه و عده نفوس و اوضاع آنها و چگونگی

نشان هر ولایت و اصناف و نوکر و رعیت .

فصل چهارم ، در کیفیت ولایت روسیه و عادات و اخلاق ایشان .

(۱) دوست صدیق من شاهزاده بدیع الزمان **میرزا دولت شاهی** این نسخه نفیس خطی را در اختیار من گذاشت ، من نیز غالب مطالب این فصل را از آن کتاب اقتباس نموده ام .

فصل پنجم ، در امور دولتی .
 فصل ششم ، در اطوار مراجعت .
 میرزا مصطفی مینویسد :

« چون در سیزدهم شهر شعبان خیر قتل قریبا یدوف ایلچی دولت روس در دارالخلافه طهران بدارالسلطنه تبریز رسید ، میرزا مسعود از جانب نایب السلطنه مأمور پترزبورغ گشت که اولاً حقیقت این حادثه را در تفلیس بگراف پاسکویچ سردار روس رسانده بیخبری و تأسف و تحسر دولت علیه را از وقوع این غائله اتفایه بامنای دولت روسیه واضح و آشکار سازد . »

معلوم است که میرزا مسعود از جانب نایب السلطنه حامل مکتوبی بامپراطور روس بوده و یک مکتوب هم نایب السلطنه به گراف پاسکویچ نوشته است .

میرزا مصطفی سواد هر دو نامه را در سفر نامه خود ضبط نموده که چون از نظر تاریخی دارای اهمیت میباشد سواد هر دو در اینجا نقل میشود .

۱ - مکتوب نایب السلطنه عباس میرزا به نیکلای اول امپراطور روس

« خداوندیرا ستایش کنیم که دانندهٔ نهان است و دارنده جهان و بخشاینده گناهان و قدرت بخش پادشاهان ، و از آن پس درود پاک بروان تابناک پیغمبران و پیشوایان و راهنمایان فرستیم که دانای راز خدایند و شفیعان روز جزا ، و بعد بر رأی والای اعلیحضرت آسمان رفعت ، شهریار خجسته اوصاف با عدل و انصاف ، سلطان ملک ستان و دارای ملک بخشای ، عم اعظم تساجدار ، امپراطور ستوده طور پسندیده کردار ، پادشاه ذی جاه تمامی ممالک روسیه که نامش درجهان نیکوست و لطفش از هر جهت دلجو و قهرش ویرانی هر خانه و مهرش آبادانی هر ویرانه ، مکشوف و معروض میداریم که هر چند از حوادث زمانی و قضایای آسمانی شرمندگی و خجالت دولت ایران زیاده از شرح و بیان است ولیکن رأفت پادشاهانه و عاطفت

ملوکانه آن اعلیحضرت را زیادتیر از آن دانسته بآن استظهار و اطمینان عرض و حالی میکنیم که در سال گذشته دولت ایران دوستی دولت بهیه روسیه را بجان و دل خریدار شده در راه تحصیل آن از رنج تن و بذل مال دریغ نکرده چندان کوشید که بفضل خدا و لطف امپراطور کشور گشا آن مقصود عمده و مطلوب کلی را دریافت نمود. امسال نیز برای استحکام همین دوستی و انتظام بعضی از مهم این مملکت، این اخلاص کیش خودعازم بود که بیدار فرخنده آثار آن اعلیحضرت فایض شود و در این بین از عجایب روزگار فقد ایلچی آن دولت بوضعی روی داد که نه این گونه واقعه تا امروز در این مملکت دیده و شنیده شده بود و نه صورت این احوال بوهوم و خیال میگنجید که قبل از وقوع آن چاره و تدبیری توان کرد. بلی امری بی خبر و ناگاه حادث شده و چندان فرصت و مجال نشد که بدفع آن بلا و رفع آن قضا و تدبیر آن فتنه و درمان آن درد توان پرداخت خدای عالم که بهر راز نهان عالم است گواهی دارد که این اخلاصمند از درون دل راضی بر آن بود که خود با تمامی اخوان و اخلاف در امثال این فتنه و بلا با تلافی برسد و بدنامی چنین، برای این دولت نماند و هم چنین همگی اولیای این دولت و اعیان و معارف این مملکت امروز از این واقعه هایلله درعزا و ماتمند و شاهنشاه و الاجاه ممالک ایران در معرض هزار اندیشه و غم میباشند و این معنی آشکار و معلوم است که دولت ایران رنج و زحمتها و خسارتهای پارساله را ضایع نمیخواست بکند و این صداقت کیش که با آن شوق و خرمی عازم دیدار آن اعلیحضرت بود هرگز راضی نمیشد که با این سرافکنندگی و شرمساری عازم شود و اهل ایران صغیر و کبیر و عالی و دانی بالتمام تلخی خصومت و شیرینی محبت آن دولت را چند بار چشیده و آزموده اند، ممکن نبود که خوشی را بناخوشی عوض و امنیت را بانقلاب مبدل نمایند. بذات پاك خدای جهان و تاج و تخت میمون پادشاهان سوگند که این کار زشت و کردار بد بجز فتنه جهال و شورش عوام هیچ مأخذ و منشاء نداشته، غالباً در شهرهای بی نظام امثال این شورش و غوغا از عوام نادان برپا میشود، خصوصاً در اسلامبول که پایتخت دولت عثمانی است مکرر اتفاق افتاده ولیکن تا پارسال هرگز در ممالک محروسه

این دولت دیده نشده بود .
 ارسال که از خدمات عساکر روسیه مجال پرداختن بامور دیگر محال بود،
 در بعضی از شهرهای ایران نیز این گونه شورش و بی نظامی اتفاق افتاد و وقت اقتضا
 نمیکرد که دولت به تنبیه آنها اقدام کند ، تا امسال بدار الخلافه سرایت نمود . اما
 دولت علیه ایران بالفعل در صدد تنبیه و سیاست جهال و مفسدین و انتقام این حادثه
 اتفاقیه میباشد . این اخلاصمند که آن همه اصرار کوشش برای دریافت دیدار آن
 اعلیحضرت داشت و دارد و محض همین بوده و هست که انشاءاله تعالی یکنوع بستگی
 قلبی و پیوستگی باطنی در میان این دو دولت بهم رسد که هر چه بخصوص آن دولت
 خرابی یافته از خصوصیت آن اعلیحضرت آبادی پذیرد . بعد از فضل خدا ، بتوجه
 آن عم اکرم تاجدار ، بی نظامیهای این مملکت بانظام شود ، دیگر امر و اختیار با
 آن اعلیحضرت است و برای چاره این کار که بالفعل حادث شده ، بهتر آن است که
 حواله باقتضای رای والای امپراطوری شود توقع و درخواست این مخلص صد اقمند
 از آن حضرت ارجمند این است که هر نوع فرمایش در این باب دارند باین اخلاص
 کیش فرمایند تا دولت ایران انشاءالله از زیر بار این خجالت برآید و این صد اقمند
 با کمال امیدواری و استظهار بخدمت آن پادشاه ذی جاه شتابد ، و العاقبه بالعافیه .

۲ - مکتوب نایب السلطنه بر غراف پاسکویچ

جناب جلالت نصاب فخامت و مناعت اکتساب افتخار الامراءالمسیحیه ، اعتبار
 الکبراء العیسویه ، سردار با اقتدار عظیم الوقار دولت بهیه روسیه ، جنرال آنشف
 پاسکویچ را باعلامات مشفقانه مخصوص میداریم ، که از بس حیرت و پریشانی از اوضاع
 زمانه داریم و شرمندگی و خجالت از این واقعه هایلله اتفاقیه بهم رسانیده ایم چطور
 شرح حال بدیم و چگونه فتح الباب گفتگو با آنجناب نمائیم . عالیجاه میرزا
 انبورگر که اوضاع و احوال ما را مشاهده نموده البته بآنجناب اظهار خواهد کرد
 که تاچه حد فاسرده و غمناک هستیم و راضی بودیم که خودمان با هر چه برادر و پسر

که داریم بالتمام عرصه هلاک شویم و این چنین بدنامی در این دوات باقی نماند. آنجناب البته دریافت خواهد نمود که این کار کاری نبود که بخاطر هیچ آفریده برسد، تا قبل از وقوع عاجی و تدبیری کنیم بلکه امری بود فوری و اتفاقی که از کردار زشت جهال شهر حادث شد و خجالت آن بزرگوار ما باقی ماند. بالفعل همه چاکران این دولت و معارف این مملکت در عزا و ماتمند و شاهنشاه و الاجاه روحانفاده هزار غصه و اندوه و غم دارد. امروز که یکشنبه هفدهم شعبان است فرمانی همایونی از دارالخلافه بافتخار ما واصل شد. حکم محکم شاهنشاهی صادر شده بود که در باب این قضیه از آنجناب دستور العمل بخواهیم و برونق آن در صدد حالی نمودن حقیقت امر بدولت بهیه روسیه بر آئیم. مانیز بر حسب امر اشرف اعلی باظهار این مطلب پرداخته عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا مسعود را روانه نمودیم که در اینباب از جناب ما با آنجناب گفتگو نماید. اگر آنجناب مصلحت داند عالیجاه مشارالیه خود با یک طغرا ذریعه که نوشته ایم با چپاری روانه دربار شو کتمدار اعلیحضرت امپراطور اعظم اکرم تاجدار گردد و معذرت نامه شاهنشاه روحانفاده با آدمی که میفرستند علی التعاقب با اتفاق عالیجاه میرزا ملسوف نایب برسد و باز بصوابدید آنجناب، انفاذ دربار شو کتمدار امپراطوری شود. خلاصه فرمایشی که از جانب همایون شاهنشاه رسیده این است که دولت ایران دوستی دولت بهیه روسیه را بجان و دل خریدنه از علاقه یگانگی دست بردار نیست و طهران و پطرزبورغ را در حکم واحد میداند اگر مثل این قضیه در پطرزبورغ اتفاق می افتاد البته اولیای دولت بهیه روسیه حکمی وقراری در این باب میکردند. توقع داریم که همان را بی ملاحظه و مغایرت بما معلوم سازند تا مانیز بی شائبه و مخالفت برونق همان دستور العمل در صدد انتقام این واقعه و عذر خواهی این مطلب بر آئیم و این دولت را انشاءالله در زیر بار این خجالت نگذاریم و العاقبة بالعافیه.

نتیجه مسافرت میرزا مسعود به تغلیس این شد که با موافقت نظر غراف

پاسکویچ^(۱) قرار شد یکی از شاهزادگان درجه اول به پترز بورغ رفته عذر این پیش آمد را بخواهد در ذی القعدة همان سال خسرو میرزا پسر نایب السلطنه برای انجام این مأموریت معین گردید و باتفاق محمدخان امیر نظام و محمد حسین خان ایشیک آقاسی باشی و میرزا بابا حکیم باشی و جمعی دیگر از تبریز حرکت نموده در تقلیس میرزا مسعود و میرزا صالح شیرازی نیز بآنها ملحق شده عازم پترز بورغ شدند. در این مسافرت میرزا تقی خان فراهانی که بعدها امیر نظام و امیر کبیر شد همراه بود.

میرزا مصطفی تمام وقایع این مسافرت را در هر منزل بدقت ضبط نموده است همه جا مهمان دولت روس بودند و در هر محل پذیرائی خوبی از ایشان شده که همه را به تفصیل شرح میدهد.

در مسکو شاهزاده خسرو میرزا بدیدن مادر گریبایدوف رفته که میرزا مصطفی شرح آنرا چنین مینگارد:

«برای تسلی و دلجوئی مادر گریبایدوف ایلچی، بعد از آنکه میرزا مسعود صالح مکرر بدیدن او رفتند شاهزاده محض دلجوئی او بیخبر بخانه او رفته و در گریه با او شرکت نمودند.»^(۲)

در اواسط صفر ۱۲۴۵ هجری (۱۸۲۹ میلادی) وارد پترز بورغ شدند،

(۱) میرزا مصطفی مینویسد:

دشب در خانه غراف پاسکویچ مجلس بال ترتیب داده بودند، و وقتی که غراف رسید من بملاحظه ادب برخاسته تعظیم کردم. غراف دست خود را روی دوش من گذاشت و گفت بنشین و امشب در این مجلس خوش بگذران ولیکن فردا من زحمتی بشما خواهم داد. فردای آن شب کالسکه فرستاده میرزا مسعود و مرا احضار نمود. چون بمنزل او رفتیم بمیرزا مسعود گفتم من چنین صلاح میدانم که میرزا مصطفی چاپاری به تبریز برود و پیغام مرا که زیاده از دو سه کلمه نیست بنواب نایب السلطنه برساند و آنچه از سعی و اهتمام من که در رفع این غائله و دفع این فتنه فهمیده است بخود نایب السلطنه عرض و حالی کند و جواب گرفته مراجعت نماید.» (صفحه ۱۸ و ۱۹ از کتاب فوق الذکر)

(۲) ایضاً سفرنامه میرزا مصطفی (صفحه ۷۲)

تشریفات خیلی مجلل برای ورود شاهزاده تهیه دیده بودند که شرح آنرا جزء بجزء میرزا مصطفی یادداشت نموده است. (۱)

میرزا مصطفی مینویسد:

«شب غراف سوخلین خواهش کرد که درباب تشریفات که برای ورود نواب شاهزاده از پترزبورغ آورده بود گفتگو شود. صورت تشریفات را ارائه داد. بحثی که از جانب امیر نظام کرده شدیکی این بود که موافق تشریفات عهد نامه غراف نسلرود باید سبقت بملاقات نواب شاهزاده نماید. بعد از گفتگوی بسیار و عجز غراف سوخلین از استدلال و اظهار اراده امپراطوری، قرار بر این شد که از جانب غراف نسلرود در راه دعوتی بشود و نواب والا دعوت او را قبول فرمایند، یکی دیگر اینکه شاهزاده رادر روزسلام دراطاقهای امپراطوری انتظار ندهند.

او جواب گفت یا باید شاهزاده انتظار امپراطور را بکشد یا امپراطور انتظار شاهزاده را؛ چونکه اطاق مخصوص امپراطور از اطاق سلام مسافتی دارد. اما شما یقین بدانید که شاهزاده را انتظار زیادی نخواهد بود و انتظار اندک رامیان جمع نخواهد کشید بلکه دراطاقی تشریف خواهند داشت بادوسه نفر از بزرگان درخانه. دیگری اینکه امپراطور درروز سلام خود جواب عرض شاهزاده را بگویند. بعد از گذشتن این مقدمه خواهش کرد که صورت مکالمه که شاهزاده با امپراطور خواهد داشت قلمی شود که قبل از وقت امپراطور مستحضر شده از آن قرار جواب بگوید. مقرب الحضرة العلیه میرزا مسعود باستصواب امیر نظام سپاه با احتشام، صورت مکالمات را نوشته تسلیم غراف سوخلین نموده و این است صورت آن مکالمات:

آسایش و خوشوقتی که در ایران قرار گرفته بود و اتحاد صادق که بواسطه صلح مابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران ولی نعمت و جد مکرم من و اعلیحضرت امپراطوری حاصل شده بود، طالع ناخوش را برانگیخته کردند که همان طالع بسبب غلبه ضرر آمیز خود گروهی خشمناک را بضلالت انداخت که در طهران باعث

حادثه غیر منتظر شدند و در آن حادثه مأمورین روسیه هلاک گشتند . این حادثه غم اندوز لباس عزا و اندوه عظیم بخاندان سلطنت و همه چاکران با ارادت او پوشانید .

دولت با انصاف و با حشمت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران بخیال اینکه يك مشت بداندیش بدست فتنه و فساد تواند روابط صلح و اتحاد را كه تازه با پادشاه بزرگ روسیه مستحکم شده برهم زند از تغییر مرتعش شد ، لهذا م- را مابین شاهزادگان خانواده سلطنت اختیار کرده حکم نمود که بدون فوت وقت و فرصت پای تخت این مملکت بیایم و امیدوار باشم باینکه صدای من که گرویده صداقت است با التفات حسنه اعلیحضرت امپراطوری مسموع خواهدشد و حرفهای من برای حفظ کامل مودتی که دوپادشاه اعظم واقوای عالم را متحد میکند بکار خواهد آمد. این است خواهش هائی که من مأمور شده‌ام که باسم ولی نعمت با حشمت خود اظهار کنم :

ای امپراطور با شوکت ؛ این خواهش ما را قبول کنید و حادثه‌ای را که در ایران هماغقدر موجب . . . تأثر گشته است که در روسیه ، فراموش نمائید ، تا کل عالم بدانند که در مطاوی چنین حادثه بی نظیر دانش و فراست دوپادشاه و اعتقاد و اعتماد متلازم ایشان توانستند بلاواسطه همه خطرها را بر کنار بگذارند و همه شبهات و ناایمنی‌ها را محو نمایند . بالاخره يك نوع رابطه مطابق همه تمناهای خود باطمینان تحصیل کنند .

در این باب من خود بتوسط این امر مهم تمنا کردنی ، تعیین شده‌ام . چنین خیال میکنم که همینکه بحضور اعلیحضرت امپراطوری رسیدم و خدمت محوله خود را که بواسطه ولی نعمت وجد با حشمت من داده شده بود بتقدیم رسانیدم بکمال تهنیت و بشارت رسیده باشم ، در صورتیکه همه امتحانات خود را باستحکام یکنوع دوستی و ایمنی مابین دو ملت عظیم که برای مودت و احترام یکدیگر خلق شده‌اند وقف بکنم والسلام .

بعد از آن غراف مشارالیه خواهش کرد که شرحی مشتمل بر قبول تشریفات نوشته شود ، این است سواد شرحی که از جانب امیر نظام بغراف نوشته شد :

دوست مشفق مهربان ؛ تشریفاتیکه برای سلام عام و ورود نواب مستطاب شاهزاده خسرو میرزا بعمارت سارقلو و بطرهاف آورده بودند ترجمه شد و بنظر ایشان رسید ، فرمودند که من فرزندی از دولت علیه ایران هستم که بدربار اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه مأمور شده‌ام . همانطوریکه در آندولت اوامر اعلیحضرت شاهنشاه را بطوع و رغبت قبول می‌کردم در این حضرت نیز اطاعت احکام علیه اعلیحضرت امپراطوری را برضا و خوشنودی بر خود لازم می‌شمارم و اگر اجازت تمنا از حضرت امپراطوری بمن ارزانی شود بمقام استدعا برمی‌آیم که در روز سلام عام برای مزید افتخار و امتیاز من ، جواب عرایض مختصر مرا اعلیحضرت امپراطوری بلفظ مبارک خود ادا فرمایند ، والسلام»^(۱)

نویسنده سفرنامه شرح مفصلی از اوضاع پترزبورغ و شرح محل‌هایی که در روزهای اول توقف در همراهی شاهزاده خسرو میرزا با نجاها رفته و تماشا نموده است مینویسد و عمارت‌های سلطنتی را یک‌یکان شرح میدهد تا اینکه در روز یکشنبه ۲۲ صفر ۱۲۴۵ که بحضور امپراطور رسیده‌اند تفصیل آنرا مینویسد و میگوید :

«سلام عام موافق تشریفاتیکه سابقاً تحریر یافته است اتفاق افتاد. غراف سوخلین که مأمور متوجه امور سفارت بود در ساعت ده یعنی دو ساعت بظهر مانده با کالسکه‌ها ویدکیها و سایر لوازم تشریفات بمیدان سرای عمارت رسید ، بعضی از ملتزمین او را در وسط پله عمارت استقبال کرده مقرب الحضرة میرزا مسعود و میرزا صالح در اطاق اول ، امیر الامراء العظام امیر نظام در اطاق دوم و نواب شاهزاده در اطاق سوم او را پذیرفتند .

بعد از ادای مراسم تعارفات لازمه از عمارت بیرون آمده سوار کالسکه‌ها شدند و ترتیب کالسکه‌ها را پیش از وقت چنین داده بودند که هر که در پایه کمتر بود کالسکه او پیش‌تر واقع شود و راه برود ، کالسکه نواب شاهزاده عقب همه کالسکه‌ها اتفاق

افتد ، کالسکه جنرال رامقالف مهماندار پیش از کالسکه‌ها راه برود . از کوچه دوسکرسکی و از بل زنجیر آویخته و از کنار باغ بهار عبور کرده وارد میدان امپراطوری گردیدند . احترامات عسکریه سواره و پیاده بعمل آمده و در میدان پادشاهی مانور کردند و نواختن سازندگان همه بعمل آمد و جمعیت بدسرای امپراطوری رسید . ملتزمین در آنجا برانمائى جنرال رامقالف از کالسکه‌ها پائین آمده منتظر خواص همراهان شدند ، بعد از نزول ایشان امیر نظام درپیش و سایرین در عقب بترتیب دویدو داخل میدان سرای شده از آنجا عبور کرده در مقابل پله عمارت توقف کردند تا اینکه نواب شاهزاده با کالسکه بدان مکان رسید . نامه ما که بیک طاقت‌شال رضائی پیچیده و بمجموعه نقره گذاشته و شال دیگر بروی مجموعه کشیده بودند در کالسکه نواب شاهزاده بود . ایشان با دودست مبارک خود مجموعه را بمیرزا صالح داده از کالسکه پائین آمدند . میرزا صالح با دودست مجموعه نامه‌ها را برداشته در کنار نواب شاهزاده راه میرفت و بملاحظه حریمی ، امیر نظام و میرزا مسعود و سایرین پشت سر ایشان دویدو بد و شروع بمشی کردند . در پائین پله ایشیک آقاسی و دو نفر غلام پیشخدمت امپراطوری استقبال کرده و در بالای پله ایشیک آقاسی باشی ایستاده بود که لوازم احترام خود را بعمل آورد و در اطاق اول مارشال بزرگ در خانه دو قنار پیاده دراقون (۱) از ابتدای پله تا اطاق دوم که اطاق انتظار بود صف بسته بودند ، همینکه نواب شاهزاده با همراهان وارد اطاق انتظار شدند آشانسون بزرگ و شامیلان بزرگ ؟ تواضع و احترام خود را بعمل آوردند ! بعد از تعارفات لازمه قهوه تکلیف کردند . صرف قهوه و تعارفات معموله دقیقه‌ای بیشتر طول نکشید که حسب الامر امپراطوری عزیمت حضور کردند . بازر در قالاری و . . لمحّه شاهزاده را انتظار دادند و آن اطاقی است که شبیه همه جنرالان که در جنگ فرانسه مصدر خدمت شده بودند در آنجا کشیده شده . ایشیک آقاسی باشی دیگر برای احضار آمد ، هشت نفر در خدمت شاهزاده بسلام امپراطوری مشرف شدند . هر دفعه که نواب شاهزاده کرنش میکردند امپراطور و امپراطریس بهمان طور جواب میگفت و حرکت

میکرد. چون بفاصله پنج شش قدم بامپراطور رسید، مکالمه مفصل که در جزء تشریفات سابقاً قلمی شده است باآواز بلند در کمال فصاحت بنوعیکه موجب تحسین عموم شنوندگان شد تقریر کرد، بعد از آنکه باتمام رسید **دوفلیکین** ترجمه آن بروسی خواند. از آن پس شاهزاده نامه را بدست امپراطور داد و او به **وایس شانسلیه** **غراف نسلرود** تسلیم کرد و او نامه را بر سر تختی که برای همین کار مهیا بود گذاشت بعد از آن از جانب امپراطور باین طور جواب داد که **میرزا شانبورغ** بفارسی ترجمه آنرا خواند.

اعلیحضرت امپراطور خداوند بزرگوار من، مرا مأمور میکند که نواب والا را محقق کنم که تقریرات تسلیات تأسف را که شما از جانب پادشاه خود اظهار میکنید با عقیده مشتمله بر کمال رضا قبول میکنند و خاطر همیون او بملاحظه حادثه که مبتنی بر اراده سنیه بود که از نو دو دولت همسایه را تفاق اندازد مملو از کدورت نمود و سفارتی که مجدداً مأمور بدولت شما کرده است حقیقت این مطلب را دلیلی تازه خواهد بود، همان سفارت همه غبار کدورت را که از این قضیه هائله بمرباطه دولت روس و ایران عارض میتوانست شد باید متفرق کند. نواب والا این خاطر جمعیها را باعلیحضرت شاه خواهد برد و باز از اراده مستحکم اعلیحضرت امپراطوری در حفظ صلح و فزونی روابط دوستی و همسایگی حسنه که در کمال سعادت بواسطه عهدنامه ترکمانچای قرار گرفته ایمنی خواهد داد. اعلیحضرت امپراطور بمن امر میکند که بنواب والا اظهار کنم که در رجوع این خدمت، اعلیحضرت شاه هیچ اختیاری نمیتوانست بکند که امپراطور را خوش آیندتر از این باشد و امیدوارم که شما تصدیق این مطلب را از احتراماتی که بشما میشود تصدیق خواهید کرد و همچنین از این تقریرات که من باسم خداوند بزرگوار خود بشما اظهار مینمایم.

بعد از آن امپراطور دست نواب والا شاهزاده را گرفته بطاق علیجده برد و **میرزا شانبورغ** ترجمانی کرد از قرار تقریر شاهزاده. امپراطور در آن اطاق تفتد بسیار میکند؛ از بسکه التفات و مهربانی خود را از حد میگذراند؛ نواب شاهزاده میخواند

که دست او را بوسه دهد ، امپراطور امتناع کرده میفرماید این دست بدون دوستی کامل بهیچ دستی داده نمیشود ، من بالفعل از آنچه که گذشته گذشت کردم ، چون نمیخواهم که هیچ کدورتی ازدولت شما دردل داشته باشم . این مطلب را هم اظهار میکنم که دولت شما ازدوستی ما هنوزایمن نشده ، برای اینکه مرابطه کامل بادولت روم داشته باشد ایلچی بآن دولت فرستاد ، ایلچی شما را در معاودت ، اک-رادروم اذیت کردند ، مالش را بغارت بردند ، بشهری پناه بر-رد ، **غراف پاسکویچ** او را نجات داده روانه کرد . ازاین مقدمه هم گذشت کردم .

نواب شاهزاده چون بهیچ وجه اطلاعی از تعیین ایلچی بدولت عثمانی نداشت این مطلب را انکار نموده بود. اعلیحضرت امپراطوری از آن فقره گذشته از مودت دولت اجمالا ومحبت نایب السلطنه تفصیلا سخن میگوید وازنواب شاهزاده خواهش میکند که آنچه شما از دوستی این دولت دریافت میکنید بدولت خودتان عرض و حالی نمائید . لیکن چون ازقرار تحریرغراف پاسکویچ ، برامپراطور مشخص شده بود که از جانب دولت علیه ایران سفیری بدولت روم فرستاده شده . لهذا از انکار شاهزاده باطناً خوشش نیامده بود وبتوسط محارم خود ازاین رهگذر گله کرده بود .

بعد از آن امپراطور همراهان را خواسته بهریک علی قدر مراتبهم التفات کرد و بسیار اظهار خوشوقتی نمود از اینکه این چنین اشخاص در خدمت شاهزاده مأمور شده اند . سپس امیر نظام را بسیار نوازش کرد و از میرزا سعود استفسار کرد که زبان فرانسه را در کجا یاد گرفته ، عرض کرد در تبریز ، از این معنی تعجب کرده وفرمود شما بهتر از من حرف میزنید . چون امپراطریس در آن روز فی الجمله تکسری داشت مکالمات و تشریفات او بانفصیل بعمل نیامد . شاهزاده خسرو میرزا قریب سه ماه در پترزبورغ مهمان دولت روس بود ودر تمام اوقات ، او و همراهان او را بمهمانیهای بزرگ دعوت مینمودند . چندین بار مهمان امپراطور بوده وچند دفعه او را بمجالس بال دعوت نمودند . امپراطور روس در حق تمام همراهان او مهربانی ومحبت نمود .

میرزا مصطفی نویسنده این سفرنامه یک مرد با اطلاع و دقیق بوده و تمام جزئیات این مسافرت را با دقت تمام نوشته است. علاوه بر این از اوضاع روسیه و تشکیلات دولت روس و مؤسسات بلدی و فرهنگی و قشونی و اوضاع سیاسی و اجتماعی و جغرافیائی، تمام را با شرح و بسط ضبط نموده است. جای بسی افسوس است که این سفرنامه بطبع نرسیده اگر روزی بزیور طبع آراسته گردد یکی از کتب مطبوع و قابل مطالعه خواهد بود و بدرک تاریخ آن ایام کمک مفیدی خواهد نمود.